

بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قاره آفریقا (با نگاهی به روابط ایران و آفریقا پیش از انقلاب اسلامی)

محسن موحدی قمی

کارشناس مسائل آفریقا- وزارت امور خارجه

چکیده

یکی از مناطقی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه خاصی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیدا کرد، قاره پهنای آفریقا بود؛ از این رو، روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای قاره آفریقا در اولویت‌های سیاست خارجی کشور قرار گرفت. انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت و روح آزادیخواهی، استعمارستیزی و خدامحوری‌اش (ر.ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۲، ۳، ۹، ۱۱، ۵۶، ۱۵۲، ۱۵۴) به سرعت مورد توجه مردم کشورهای آفریقایی قرار گرفت و با کسب جایگاه ارزشمندی نزد ملت‌های آفریقایی، از وجهه و اعتبار خاصی برخوردار گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، گسترش و تعمیق روابط با کشورهای قاره آفریقا در تمامی ابعاد آن، یکی از مهم‌ترین رویکردها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت؛ از این رو، از ابتدای پیروزی انقلاب، به نحو چشمگیری بر میزان سطح همکاری با کشورهای آفریقایی افزوده شد و در حال حاضر به گونه‌ای با تمام کشورهای آن قاره روابط سیاسی برقرار است.

قاره آفریقا، مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه با درجات پیشرفت و توسعه متفاوت است. این قاره در کنار ظرفیت‌های سیاسی و فرهنگی چشمگیر، سرزمینی غنی از لحاظ مواد خام و معدنی، استعدادهای بسیار کشاورزی، ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراوان، بازار بکر و گسترده، نیروی کارگر ارزان و بدون چالش‌های مربوط به اتحادیه کارگری می‌باشد؛ همچنین مورد توجه جدی قدرت‌های اقتصادی غرب و مقصد برنامه‌های میان و بلندمدت قدرت‌های اقتصادی میانی (چین، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و...) و اولویتی مهم در سیاست خارجی این کشورهای محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز در این خصوص، سیاست خارجی خود را در آن قاره بر مبنای بسط و گسترش روابط با کشورهای آفریقا قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: آفریقا، ایران، سیاست خارجی، همکاری‌های همه‌جانبه، روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

مقدمه

یکی از مناطقی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه خاصی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای خود باز کرد، قارهٔ پهناور آفریقا بود؛ لذا روابط با کشورهای این قاره از ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن از اولویت‌های سیاست خارجی کشور اعلام شد. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران به سبب ماهیت و روح آزادیخواهی، استعمارستیزی و خدامحوری‌اش به سرعت مورد توجه مردم کشورهای آفریقایی قرار گرفته، با کسب جایگاه ارزشمندی نزد ملت‌های آفریقایی، از وجهه و اعتبار خاصی برخوردار گردید. از این‌رو، از سال ۱۳۵۸، به نحو چشمگیری بر سطح همکاری با کشورهای آفریقایی افزوده شد و در حال حاضر به گونه‌ای با تمام کشورهای آن قاره روابط سیاسی برقرار است.

قارهٔ آفریقا، با ۵۴ کشور در حال توسعه با درجات پیشرفت و توسعه متفاوت، در کنار ظرفیت‌های سیاسی و فرهنگی چشمگیر، سرزمینی غنی از لحاظ مواد خام و معدنی متنوع و استعداد‌های بسیار کشاورزی، ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراوان، بازار بکر و گسترده، نیروی کارگر ارزان و بدون چالش‌های مربوط به اتحادیهٔ کارگری، مورد توجه جدی قدرت‌های اقتصادی غرب و مقصد برنامه‌های میان و بلندمدت قدرت‌های اقتصادی میانی (چین، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و...) بوده است. همچنین کشورهای این قاره از جایگاه خاصی در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی برخوردار هستند. این مقاله، درصدد است روابط جمهوری اسلامی ایران را با قارهٔ آفریقا ظرف ۲۹ سال گذشته از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷ از ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بکاود؛ ضمن اینکه نگاهی اجمالی نیز به تاریخچهٔ روابط ایران با آفریقا قبل از انقلاب اسلامی افکنده است.

۱. تاریخچهٔ روابط ایران و آفریقا قبل از انقلاب اسلامی

اولین ارتباط بین امپراتوری ایران با قارهٔ آفریقا، به صورت سازمان‌یافته و با هدف کشورگشایی به منطقهٔ شرق آفریقا، زمان تشکیل دولت هخامنشی در ایران صورت گرفت (موسوی خراسانی، ۱۳۷۵). هرچند کوروش، بنیانگذار سلسلهٔ هخامنشی، فرصت توسعهٔ قلمرو خود را در آفریقا نیافت، در دورهٔ کمبوجیه، فرزند کوروش (۵۲۲-۵۲۹ ق. م) آفریقا در رأس برنامه‌های جهان‌گشایی وی قرار گرفت. وی پس از فتح مصر، لشکریان خود را به سوی حبشه (اتیوپی) گسیل داشت. پس از فتح حبشه، لشکر ایران در مناطق جنوبی شامل آمون و ناپاتا (سودان امروزی) دچار مشکلات طبیعی، نظیر

کمبود آب و غذا و طوفان‌های وحشتناک شن شدند و با تحمل خسارات فراوان عقب‌نشینی کردند.

به دستور داریوش هخامنشی به‌منظور تشکیل روابط تجاری بین مصر و شامات با هند از طریق دریا، بحر احمر با حفر کانالی بر روی یکی از شعبات رود نیل، به دریای مدیترانه مرتبط و داریوش در زمان افتتاح آن در مصر حاضر شد. در زمان وی، مصر بخش‌هایی از حبشه، ناپاتا و سومالی فعلی را ضمیمه ایران کرد. خشایارشا نیز هیئتی را به سواحل شرقی آفریقا گسیل داشت که تا سواحل موزامبیک سفر کردند.

در زمان حکومت یونانیان بر ایران (سلوکی‌ها)، یونانی‌ها با همکاری ایرانیان مناطق وسیعی از شرق آفریقا را در نوردیدند و حتی تا کامرون امروزی در مرکز آفریقا خود را رساندند. در این دوران، روابط تجاری بین ایران و سرزمین‌های آفریقا گسترش یافت و کالاهایی، همچون طلا، عاج، چوب آبنوس و برده از این سرزمین به ایران وارد می‌شد (عبدالعزیز الفهمی، ۱۳۵۷: ۱۸-۱۹).

در دوران ساسانیان، ایرانیان با رومیان برای کنترل آبراه‌های مهم و نظارت بر تجارت غرب و شرق رقابت می‌کردند؛ لذا بر آبراه‌های شرق آفریقا تسلط داشتند. در دوران خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ ق. م) با بروز تضاد بین منافع ایران و امپراتوری روم - حبشه بر سر کنترل آبراه مهم باب‌المنذب، جنگی شدید بین ایرانیان و حاکم حبشی یمن پدید آمد که در نهایت با پیروزی ایران و تسلط بر این آبراه، جنگ به پایان رسید (رجوع شود به: <http://www.country-studies.com> و <http://www.iranica.com>).

در اواخر دوره سلسله ساسانیان (اواخر قرن ششم میلادی)، روابط اقتصادی ایران با اقوام ساکن شرق آفریقا به‌شدت گسترش یافت؛ به‌طوری که گروهی از بازرگانان ایران که دست‌اندرکار انتقال کالاهای متنوع آفریقایی به ایران و ممالک همجوار بودند، در سواحل شرق آفریقا اجتماعات کوچکی تشکیل دادند و در منطقه‌ای به نام سانگی یاکاتما در جنوب شهر باستانی «کیلوا» پایگاهی برای خود تأسیس کردند که کشفیات باستان‌شناسی سال‌های اخیر در این منطقه نیز بر این امر صحت گذاشته است.

پس از ظهور اسلام و نابودی امپراتوری ساسانی، روابط ایرانیان و آفریقایی‌ها تداوم یافت و از این زمان به بعد، علاوه بر مناسبات و مبادلات بازرگانی، اهداف تبلیغی و گسترش دین اسلام نیز در سرلوحه اهداف ایرانیان تازه‌مسلمان شده قرار گرفت. در قرن اول و دوم هجری، گروهی از مبلغان مسلمان که برخی از آنان بازرگانان و دریانوردان ایرانی بودند با سفر به مناطق مختلف شرق آفریقا دین اسلام را به بومیان بت‌پرست

معرفی کردند و با بهره‌گیری از راه و روش مسالمت‌جویانه، دین اسلام را در این منطقه گسترش دادند و تاریخ شرق آفریقا را وارد مرحله نوینی نمودند. پس از ورود، گسترش و تثبیت اسلام، در مهاجرت اولیه مسلمانان به آفریقا، گروهی از مسلمانان از شبه‌جزیره عربستان به آفریقای شرقی مهاجرت کردند (ولایتی، ۱۳۸۴: ۴۲۶-۴۳۰) و در مرحله دوم که در قرن دوم هجری و توسط پیروان زید بن علی انجام شد، گروهی از ایرانیان نیز به همراه اعراب مخالف امویان به شرق آفریقا قدم گذاشتند. این ایرانیان در جنوب سومالی و حوالی منطقه لامو (کنیا) اقامت گزیده، به دلیل اختلاف عقیده از ایجاد ارتباط با مهاجران سنی‌مذهب عمانی دوری جستند و به‌جای آن به حشر و نشر با سیاهان مجاور پرداخته، با آن‌ها بستگی‌های سببی ایجاد کردند. ایرانیان زیدی را می‌توان از اولین اقوامی دانست که سنگ بنای استقرار ایرانیان را در شرق آفریقا بنا نهادند و زمینه‌ساز مهاجرت سازمان‌یافته شیرازیان به آفریقای شرقی شدند.

شیرازی‌ها در شرق آفریقا

پس از مهاجرت‌های پراکنده مسلمانان به شرق آفریقا، مهاجرت شیرازی‌ها را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین مهاجرت‌های ایرانیان به آفریقای شرقی دانست که به‌صورت منظم و منسجم انجام شد و توانست تاریخ این منطقه را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد (عرب احمدی، ۱۳۷۹). بنیانگذار سلسله شیرازی‌ها فردی به‌نام علی‌بن‌حسین شیرازی بود که در قرن چهارم هجری قمری به‌همراه فرزندان و گروهی از خویشان خود با هفت کشتی به سواحل شرقی آفریقا سفر کرد و دولت بزرگی در این مناطق به‌وجود آورد. شیرازی‌ها بعدها پس از استقرار خود در آفریقای شرقی، با بومیان این مناطق درآمیختند و بر اثر ازدواج و ایجاد علقه‌های خونی، نسل جدیدی به‌نام شیرازی‌ها در کشورهایی، مانند کنیا و تانزانیا به‌وجود آوردند. درباره علت سفر شیرازی‌ها به شرق آفریقا دلایل متعددی ذکر شده؛ ولی علت قطعی آن در پرده ابهام باقی است.

به‌تدریج ایرانیان در شرق آفریقا دامنه فعالیت خود را گسترش داده، کیلوا را به مرکز حکومت شیرازیان تبدیل کردند. آنان جزیره زنگبار و شهرهای دیگر را نیز گسترش داده، حکومت‌هایی نیز در کمور و موزامبیک ایجاد کردند. با ثروت به‌دست‌آمده از تجارت بین مناطق شرق آفریقا با دیگر مناطق جهان، شیرازی‌ها به‌تدریج تجهیزات بندری، مانند اسکله، ساختمان‌های اداری، انبار و مراکز تجاری ساختند. قلمرو حکومت

شیرازی‌ها از جنوب سومالی تا موزامبیک و در داخل قاره با کنیا و تانزانیا گسترش یافت.

امپراتوری شیرازی‌ها با افزایش قدرت، کم‌کم از اهداف اولیه خود دور شد. زمامداران این سلسله به منافع خود و سود بیشتر اندیشیده، از هرگونه ظلم و ستم بر بومیان و افراد زیردست خود فروگذار نکردند. توطئه و دسیسه بین این خاندان رشد یافت و این رفتارها مقدمات فروپاشی آنان را فراهم آورد. در اواخر قرن پانزدهم میلادی، اسکودوگاما، دریانورد پرتغالی، پس از کشف راه دریایی هند وارد منطقه دریایی شرق آفریقا شد و طی جنگ‌هایی که چندین سال به طول کشید، به تدریج نواحی مختلف تحت حکومت شیرازی‌ها، از جمله مومبای، زنگبار و براوه را تصرف کرده، تجارت شرق آفریقا را در دست خود گرفت.

در جنگ سختی که در سال ۱۵۰۲ م. بین امیر ابراهیم - که همه‌کاره پادشاهی شیرازی‌ها بود - و فرانسیسکو المیرا، دریاسالار پرتغالی، در شهر کیلوا رخ داد، شیرازی‌ها شکست خوردند و بساط این حکومت برای همیشه برچیده شد. پس از نابودی پادشاهی شیرازی‌ها، پرتغالی‌ها به مدت دو قرن بر منطقه شرق آفریقا از کنیا تا موزامبیک حکمفرما شدند. در این دو بیست سال، ایرانیان به همراه اعراف موجود گوشه عزلت گزیدند و بیشتر به مناطق دورافتاده و نسبتاً امن پناه بردند. این انزوا سبب آمیزش هرچه بیشتر آن‌ها با بومیان مناطق مختلف شد و به تدریج ایرانیان هویت نژادی اصیل خود (پوست سفید، ابروی پیوسته و موهای صاف) را از دست دادند و نسل‌های بعدی آنان به چهره‌ای گندمگون و پوست قهوه‌ای روشن بدل گشتند و با گذشت زمان بیشتر تحت تأثیر خصوصیات نژاد سیاه قرار گرفتند (عرب احمدی، ۱۳۸۲).

۲. روابط ایران با آفریقا در دوران پهلوی

بررسی روابط سیاسی ایران در دوران پهلوی با کشورهای آفریقایی، به خصوص کشورهای زیر خط صحرا حاکی از این واقعیت است که روابط دو طرف در این دوره از سیاست منسجم و از پیش تعیین شده‌ای پیروی نکرده است. روابط سیاسی حکومت پهلوی با کشورهای آفریقایی بیشتر متأثر از این زمینه‌ها بوده است:

۱-۲. روابط شخصی شاه و اطرافیانش با رهبران و رؤسای کشورهای آفریقایی: پهلوی با هایله ماریام سلاسی، پادشاه اتیوپی روابط دوستانه و تمایلات مشترک داشت. حضور پادشاه اتیوپی در مراسم جشن‌های دوهزار و پانصدساله و استقبال فوق‌العاده وی در آن

مراسم و یا روابط ویژه شاه با حبیب بورقیبه و همچنین ازدواج شاه با فوزیه، خواهر ملک فاروق، پادشاه مصر در نزدیکی ایران با این کشورها بسیار مؤثر بوده است. گفتنی است که شاه به دلیل حاکم بودن حکومت‌های سلطنتی در کشورهای یادشده، بقای خود را در حمایت از آنها می‌دانست.

۲-۲. گرایش و همسویی برخی کشورهای آفریقایی به جهان غرب و به‌ویژه آمریکا، یکی از دلایل نزدیکی رژیم پهلوی به کشورهای آفریقایی بود؛ برای مثال کمک‌های فراوان شاه به رژیم ژنرال زیادباره برای تقویت رژیم حاکم بر سومالی در برابر حکومت کمونیستی هایل هلساسی در اتیوپی و یا همکاری‌های گسترده سیاسی و اقتصادی با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به‌خوبی در این روابط مشهود است. در این زمان، رژیم پهلوی ۹۰ درصد از نفت خام مورد نیاز آفریقای جنوبی را تأمین می‌کرده است (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۴۶۹-۴۷۱).

۲-۳. اهمیت استراتژیک کشورهای آفریقایی: همسویی سیاست‌های غرب‌گرایانه حکومت پهلوی با سیاست برخی از کشورهای آفریقایی از انگیزه‌های برقراری روابط سیاسی بود. حکومت شاه در این مسیر تا آنجا پیش می‌رفت که از قربانی کردن منافع کشور نیز ابا نداشت؛ برای نمونه، اعزام نیروهای ایرانی به سومالی جهت تقویت این کشور در مقابل حکومت چپ‌گرای منگیستو هایل ماریام در اتیوپی، که یک حرکت غرب‌پسندانه بود، باعث قطع روابط سیاسی ایران با اتیوپی و کنیا شد و بیشتر کشورهای آفریقایی را به حکومت ایران بدبین کرد. فروش نفت به حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی که از طرف قدرت‌های غربی حمایت می‌شد نیز باعث انزوای ایران در آفریقا، به‌ویژه در بین کشورهای خط مقدم در جنوب آفریقا شد. در دوران پهلوی، روابط ایران و آفریقای جنوبی گسترش چندانی نداشت. اقامت رضا پهلوی، در سال‌های آخر عمر در ژوهانسبورگ و مرگ او در این شهر، نمودار میزان اعتماد موجود بین دو دولت بود. دولت ایران همچنین در دو پالایشگاه نفتی آفریقای جنوبی سهمیم بود و همکاری اقتصادی گسترده‌ای با حکومت پرتوریا داشت. کنت کائوندا رئیس‌جمهور سابق زامبیا، نیز چندین بار خاطره‌ای را برای هیئت‌های ایرانی تعریف کرده است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به آن کشور سفر می‌کردند. او می‌گفت: یکی از سیاست‌های کشورهای خط مقدم، تماس با کشورهای دوست آفریقای جنوبی بود. در این تماس‌ها سعی می‌شد این کشورها تشویق شوند که از فروش نفت به حکومت نژادپرست و ادامه همکاری‌های اقتصادی با آن رژیم اجتناب ورزند. در این مورد، قرار شد نماینده‌ای نیز به ایران گسیل

شود. این نماینده در جدّه منتظر ویزای ایران بود که مقامات ایرانی به او پیغام دادند اگر برای تفریح و سیاحت می‌خواهد به ایران سفر کند، عزیمت او بلامانع است؛ اما اگر قصد مذاکره در خصوص عدم فروش نفت به آفریقای جنوبی را دارد، بهتر است از سفر به ایران منصرف شود.

این خاطره نشان‌دهنده میزان تعهد پهلوی به پشتیبانی از دولت نژادپرست است. گرایش‌های حکومت پهلوی به غرب در روابط ایران و الجزایر در دوران هواری بومدین نیز خدشه ایجاد کرد. دولت شاه مخالف مواضع مترقی دولت انقلابی الجزایر، به‌ویژه حمایت این دولت از نهضت‌های آزادیبخش بود و به‌رغم میانجیگری بومدین بین ایران و عراق در ماجرای حاکمیت ایران بر اروندرود، روابط ایران و الجزایر همچنان کم‌تحرک باقی ماند. در دوران حکومت عبدالناصر در مصر نیز همسویی سیاست‌های حکومت پهلوی با غرب موجب سردی روابط شد. به‌دنبال برقراری روابط بین ایران و اسرائیل براساس شناسایی دوفاکتو، روابط مصر و ایران قطع شد؛ اما پس از مرگ ناصر و به قدرت رسیدن دولت غرب‌گرای سادات، دو دولت اقدام به تجدید روابط سیاسی کردند. در این دوران، روابط دو کشور بسیار گرم بود و سفر سادات به تهران موجب تشکیل هیئت مشترک همکاری‌های اقتصادی دو کشور شد. موافقت ایران با شرکت در برنامه‌های نوسازی پورت سعید با پرداخت مبلغی معادل ۲۵۰ میلیون دلار به مصر، تأسیس بانک مشترک ایران و مصر با سرمایه اولیه ۲۰ میلیون دلار، تأسیس شرکت کشتیرانی مشترک، اعطای اعتباری به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار به مصر و اجرای چندین طرح فنی - صنعتی با کمک مالی ایران نشان‌دهنده عمق روابط دو حکومت غرب‌گرای ایران و مصر در دوران حاکمیت انور سادات بود.

یکی از انگیزه‌های اصلی کشورهای آفریقایی برای برقراری روابط سیاسی با حکومت پهلوی، دریافت (امینی، ۱۳۸۱: ۲۱۵-۲۱۶) کمک‌های اقتصادی بود. در این مورد، مصر موفق شد در دوران انور سادات کمک‌های مالی فراوانی از حکومت پهلوی دریافت کند. سنگال نیز از این کمک‌ها بی‌بهره نبود. دوستی نزدیک امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر ایران، با عبدودیوف، نخست‌وزیر سنگال، نقش مؤثری در اعطای کمک به سنگال داشت. در این دوران، هویدا دوبار به سنگال سفر کرد و عبدودیوف نیز دوبار به ایران آمد. در ۱۸ خرداد ۱۳۵۳ نیز به دنبال انعقاد یک موافقتنامه مالی، پرداخت کمک‌های مالی ایران به سنگال آغاز شد. حبیب بورقیبه، وزیر امور خارجه وقت تونس نیز در سایه دوستی با اردشیر زاهدی، داماد شاه و وزیر امور خارجه وقت ایران، موفق به دریافت وام

از ایران شد. برخی کشورهای آفریقایی، نظیر ماداگاسکار نیز به قصد دریافت کمک به ایران نزدیک شدند و در نهایت به مقصود خود رسیدند.

همان‌طور که گفته شد در کنار علایق شخصی سران کشورهای آفریقایی و رهبران ایران، در پاره‌ای موارد، اهمیت استراتژیک، اقتصادی و فرهنگی برخی از کشورهای آفریقایی نیز در گسترش روابط ایران با این کشورها مؤثر بوده است؛ برای نمونه، قرار گرفتن مصر در کنار سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و مجاورت این کشور با دریاهای مدیترانه و سرخ، اهمیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای برای این کشور ایجاد کرده بود که براساس آن بیشتر کشورهای جهان، از جمله دولت ایران متمایل به برقراری و توسعه روابط با قاهره بودند. علقه‌های فرهنگی، به‌ویژه پس از ظهور اسلام و به‌خصوص پس از به قدرت رسیدن فاطمیان در مصر، همواره موجب قرابت فرهنگی دو ملت ایران و مصر بوده و پشتوانه‌ای برای همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دو کشور محسوب می‌شده است. تونس نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود در شمال آفریقا، به‌ویژه در مجاورت با مدیترانه، دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. اگرچه در مقایسه با کشورهای آفریقایی، مصر از نظر وسعت سی و چهارمین کشور این قاره به حساب می‌آید، به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک همواره مورد توجه کشورهای جهان بوده است؛ این نکته از دید سیاستگذاران دولت پهلوی دور نمانده بود.

در خصوص آفریقای جنوبی، در کنار همسوی بودن سیاست خارجی حکومت پهلوی و دولت سفیدپوست پرتوریا در گرایش به جهان غرب، نیاز بازار مصرف آفریقای جنوبی به نفت ایران و موقعیت ژئوپلیتیک این کشور، به‌ویژه مجاورت با دماغه امیدنیک، از دلایل عمده ایران برای تقویت روابط با حکومت پرتوریا بوده است. در یک جمع‌بندی، باید گفت قاره آفریقا جایگاه مهمی در سیاست خارجی حکومت پهلوی نداشت و تنها برخی از کشورهای آن به دلیل انگیزه‌های گفته‌شده در مقاطع معینی روابط صمیمانه‌ای با دولت ایران داشتند و شاید بتوان گفت دوران پهلوی دوران فترت سیاست خارجی ایران در قبال آفریقا بوده است.

خلاصه اینکه، رژیم پهلوی اولویت خود را در ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی با آفریقا، کشورهای شمال آن قاره و بعد آفریقای سیاه قرار داده بود. روابط سیاسی رژیم پهلوی با آفریقا با منطبق یادشده بدین شکل بوده است: مصر ۱۳۰۰، تونس ۱۳۳۶، مغرب ۱۳۳۶، الجزایر ۱۳۴۳ و سودان ۱۳۵۱. اهمیت خاورمیانه و نقشی که این منطقه در امنیت اروپا داشته، علت اولیه و اصلی اولویت دولت ایران به برقراری روابط سیاسی

با آنان در میان کشورهای آفریقایی بوده است. به‌رحال، با نقش ژاندارمی که شاه در منطقه خلیج فارس از سوی آمریکایی‌ها برعهده داشت و از سوی دیگر، برقراری روابط با رژیم اشغالگر قدس و حمایت از آن و همچنین در راستای استراتژی غرب برای جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در منطقه، ضروری بود با کشورهای خاورمیانه، از جمله شمال آفریقا ارتباط و تعامل داشته باشد. رژیم پهلوی با افزایش نقش خود در خاورمیانه و مطرح شدن ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای و افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی در دهه پنجاه شمسی، ارتباط با کشورهای آفریقایی سیاه را نیز مبنای کار خود قرار داد. این کشورها بدین شرح هستند: اتیوپی ۱۳۴۰، آفریقای جنوبی ۱۳۴۹، سنگال ۱۳۵۰، کنیا ۱۳۵۰، سومالی ۱۳۵۱، زئیر ۱۳۵۱، نیجریه ۱۳۵۲، غنا ۱۳۵۳، گابن ۱۳۵۵ و ساحل عاج ۱۳۵۷.

۳. روابط جمهوری اسلامی ایران با قاره آفریقا

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هـ. ش. (۱۹۷۹ م.)، تحول تازه‌ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی که در قانون اساسی آمده است، برقراری روابط با کشورهای جهان سوم، از جمله ممالک آفریقایی را در صدر سیاست‌های خود قرار دادند (ولایتی، ۱۳۷۵: ۵۸-۷۶)؛ لذا می‌توان گفت اهداف و انگیزه‌های زیر باعث تحرک جدید ایران در آفریقا شد:

۱. معرفی اسلام در جایگاه یک ایدئولوژی الهی و انقلابی که می‌تواند موجب کرامت انسان و پدیدآورنده استقلال و عدم وابستگی به دولت‌ها باشد و معرفی انقلاب اسلامی به‌عنوان راه‌هایی از یوغ استعمار و نژادپرستی؛
۲. مبارزه با حکومت نژادپرست و حمایت از مبارزات ضدنژادپرستی مردم آفریقا، به‌ویژه جنوب این قاره؛
۳. تقویت همکاری‌های جنوب - جنوب در بین کشورهای غیرمتعهد، از جمله در کشورهای آفریقایی؛
۴. بهره‌برداری‌های بین‌المللی و استفاده از آرای کشورهای آفریقایی، به‌ویژه در دوران جنگ ایران و عراق؛
۵. معرفی اسلام در جایگاه یک ایدئولوژی در این دوره (مردم ایران که نتیجه قرن‌ها مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی را با پیروزی انقلاب اسلامی به‌دست

آورده بودند، درصدد معرفی اسلام به‌عنوان ایدئولوژی انقلاب به جهان سوم، به‌ویژه آفریقا برآمدند؛

۶. ایجاد فضای حیاتی مناسب در برابر فشارهای غرب با انگیزه متنوع کردن مرکز همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... .

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران به‌دلیل ویژگی‌های آرمانی و انقلابی خود به‌سرعت مورد توجه مردم کشورهای آفریقایی قرار گرفت و جایگاه ویژه‌ای نزد ملت‌های آفریقایی یافت [۱]. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، گسترش و تعمیق روابط با کشورهای قاره آفریقا در تمامی ابعاد آن یکی از مهم‌ترین رویکردها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی شناخته شد؛ از این‌رو از ابتدای پیروزی انقلاب، به‌نحو چشمگیری بر میزان همکاری با کشورهای آفریقایی افزوده شد و در حال حاضر نیز به‌گونه‌ای با تمام کشورهای آن قاره روابط سیاسی برقرار می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آفریقایی علاوه بر همکاری‌های دوجانبه، در سازمان‌های بین‌المللی نیز همکاری‌های متقابل مؤثری دارند. قاره آفریقا دارای پرتعدادترین عضو سازمان ملل متحد می‌باشد و کشورهای آن در بیشتر سازمان‌های بین‌المللی عضویت دارند. همکاری‌های متقابل جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آفریقایی در سطح بین‌المللی، یکی از اهداف سیاست خارجی ایران در آفریقا طی سال‌های گذشته بوده است. همکاری‌های مؤثر آفریقا با جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌ها و مجامع مختلف، از قبیل سازمان‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وابسته به سازمان ملل، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، دولتی و غیردولتی، نظیر یونسکو، کمیسیون حقوق بشر، مبارزه با مواد مخدر، سازمان کنفرانس اسلامی، بانک توسعه اسلامی، محیط زیست، جنبش عدم تعهد، انتفاضه، خلع سلاح، بهداشت جهانی، گروه ۷۷، انرژی اتمی، توسعه اجتماعی، مبارزه با بیابان‌زدایی و غیره قابل توجه می‌باشد.

حقوق بشر و موضوع قطعنامه وضعیت حقوق بشر در ایران، یکی از مسائلی است که طی چند سال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را سخت به خود مشغول داشته، شاهد همکاری‌های مؤثر کشورهای آفریقایی بوده است. در این خصوص با روابطی که درباره قطعنامه یادشده به‌وجود آمد. پانزده کشور آفریقایی (از مجموع ۵۳ کشور عضو کمیسیون حقوق بشر) در هر دوره عضو کمیسیون هستند که بالتبع این تعداد آراء بسیار تأثیرگذار می‌باشند؛ برای مثال در رأی‌گیری قطعنامه کانادا علیه وضعیت حقوق

بشر در جمهوری اسلامی ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۱۳۸۵، هیچ‌کدام از کشورهای آفریقایی به نفع قطعنامه رأی ندادند که نشان‌دهنده ارتباط خوب جمهوری اسلامی ایران با این کشورهاست.

از بعد روابط اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در کنار تلاش برای ارتقای سطح روابط سیاسی و فرهنگی با قاره آفریقا به معنای اعم و گسترده آن، افزایش همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی با کشورهای قاره را با تأکید اولیه بر انجام مبادلات تجاری، در برنامه سیاست خارجی خود قرار داد. باید اذعان کرد در حال حاضر، توسعه و ارتقای مناسبات بازرگانی بخش مهم و اساسی روابط اقتصادی با کشورهای آفریقایی و معیاری عملی و واقعی برای دستگاه تصمیم‌گیری و مجری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درباره آفریقا تلقی می‌شود. از همان سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب، مسئولان سیاسی و اقتصادی کشور و نیز سفیران و نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آفریقایی، بازارهای آن قاره را مقصدی بسیار مناسب برای صدور کالاهای ایرانی ارزیابی نمودند و به منظور سیاست توسعه صادرات غیرنفتی، آفریقا در ردیف اول کشورهای هدف مورد تأکید قرار گرفت. بنابراین دیدگاه‌ها و آرای کارشناسان، نخبگان، سیاستمداران و مسئولان مربوطه به تدریج در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران در مورد آفریقا مؤثر واقع شد.

علی‌رغم مسائل یادشده، به منظور ارزیابی میزان اجرایی‌شدن نظرات مسئولان و تعیین میزان موفقیت‌های حاصل از اجرای برنامه‌ها، طرح‌ها و تلاش‌های صورت‌گرفته، می‌بایست به ارقام و آمار مبادلات تجاری ایران با ۵۴ کشور آفریقا نگاهی افکند. بررسی آماری، دست‌کم می‌تواند شرایط و وضعیت مبادلات تجاری بین طرفین را در دوره‌هایی خاص تعیین کند. شایان ذکر است بدون وجود آمار و ارقام مبادلات و بررسی آن‌ها، به‌سختی می‌توان علت‌های تحقق یا عدم تحقق برنامه‌های سیاسی و اقتصادی گذشته را در خصوص آفریقا بررسی و تحلیل کرد.

بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آفریقایی طی ۲۸ سال گذشته

به‌منظور بررسی روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵، بر مبنای دیدگاه‌ها و رویکردهای کلان هر یک از دولت‌های روی کارآمده، چهار دوره در روابط بین ایران و کشورهای آفریقایی

قابل تشخیص است. این چهار دوره از ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی شده است:

دوره اول: روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸) تا سال ۱۳۶۸؛

دوره دوم: روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دوران سازندگی (۱۳۷۵-۱۳۶۸)؛

دوره سوم: روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دوره اصلاحات (۱۳۸۳-۱۳۷۶)؛
دوره چهارم: روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دوره جدید (۱۳۸۴-۱۳۸۷).

دوره اول: روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸) تا سال ۱۳۶۸ [۲]

۱. روابط سیاسی

سیاست خارجی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای آفریقایی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ هـ ش) تا ۱۳۶۸، بایست در چارچوب ساختار نظام دوقطبی و فضای حاکم بر دوران جنگ سرد در روابط بین‌الملل آن زمان و همچنین جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران ارزیابی و تحلیل کرد (وزارت امور خارجه، اسناد سالهای ۶۸-۱۳۵۸: ۲۱). جمهوری اسلامی ایران براساس قانون اساسی (ماده ۱۵۱ تا ۱۵۴) در زمینه سیاست خارجی، سعی کرد در چارچوب اصل نه شرقی نه غربی روابط خود را با سایر دولت - ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برقرار و تحکیم کند. از آنجایی که قاره آفریقا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ دارا بودن سابقه استعمار و استثمار تاریخی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، گسترش تعاملات سیاسی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی در دستور کار سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. روابط سیاسی ایران با دولت‌های آفریقایی در این دوران، در نتیجه فضا و شرایط حاکم بر آن و تأکید بر نفی اتحاد با بلوک شرق و غرب، بیشتر جنبه آرمانی داشته و برقراری و گسترش روابط سیاسی و حمایت از جنبش‌های آزادیبخش بیشتر در چارچوب روابط عدم تعهد قابل تحلیل است.

در این مدت، صدها هیئت عالی‌رتبه، تعداد زیادی رؤسای جمهور و سران کشورهای آفریقایی از جمهوری اسلامی ایران دیدار کردند. دیدار مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوری از آفریقا و همچنین سفر رؤسای جمهور ایران در هر دوره به چند

کشور آفریقایی بر توسعه روابط تأثیر بسزایی داشته است. سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در آفریقا به دو برابر قبل از انقلاب، و تعداد سفارتخانه‌های سیاسی آفریقایی مقیم تهران نیز از شش نمایندگی به هفده نمایندگی افزایش پیدا کرده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

از دیگر اقدامات و سیاست‌های جمهوری اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب عبارت‌انداز: پذیرش طلاب آفریقایی برای آموزش دینی در ایران، اعزام مدرسان معارف اسلامی به آفریقا، تأسیس مدارس علمیه در برخی کشورهای آفریقایی، اجرای سیاست‌های بشردوستانه در قالب کمیته کمک به مستضعفان جهان، شروع فعالیت‌های انسان‌دوستانه در برخی از کشورهای آفریقایی توسط جهاد سازندگی در جهت رفع محرومیت از جوامع آفریقایی و گسترش زبان فارسی، ایجاد درمانگاه‌های هلال احمر در سراسر قاره و

حمایت ایران از مبارزات ضدنژادپرستی مردم جنوب آفریقا، وجهه مردمی خاصی به این کشور در قاره آفریقا بخشید و در پی آن نمایندگی آفریقای جنوبی در تهران تعطیل، و سفارت جنبش آزادیبخش سواپو گشوده شد که برای استقلال نامیبیا مبارزه می‌کرد. فروش نفت به آفریقای جنوبی علی‌رغم تحریم‌های اعمال‌شده از سوی آمریکا قطع شد. حضور نیروهای جهاد سازندگی در آفریقا، به‌ویژه در تانزانیا متأثر از فضای این دوران، تحرک بسیار مثبتی را نزد کشورهای آفریقایی به‌دنبال داشت. در این دوران، دولت‌های آفریقایی ضمن اعزام هیئت‌های عالی‌رتبه سیاسی به جمهوری اسلامی ایران، خواستار دریافت کمک‌های نقدی و جنسی جمهوری اسلامی ایران بودند. مواضع دولت‌های آفریقایی را درقبال جمهوری اسلامی ایران در این دوره می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. کشورهای آفریقایی که مستقیم یا غیرمستقیم حامی و حافظ منافع اردوگاه غرب و به‌ویژه ایالات متحده بودند؛
۲. کشورهای آفریقایی که مدافع نظام سوسیالیستی بودند و از سیاست‌های کلان شوروی سابق پیروی می‌کردند؛
۳. کشورهای آفریقایی غیرمتعهد.

درخور توجه است که در طول جنگ تحمیلی، برخی دول آفریقایی تحت تأثیر ساختار نظام دوقطبی و امواج سنگین تبلیغاتی رسانه‌های غربی علیه جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر تمایل سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران به صدور انقلاب به دورترین

نقاط عالم، از جمله کشورهای آفریقایی موضعگیری کردند که غالب مواضع آن‌ها مبتنی بر حمایت از دیدگاه‌های دولت بعثی عراق بود.

۲. روابط فرهنگی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سمت و سوی سیاست خارجی ایران با تغییرات اساسی مواجه شد و گسترش مناسبات با کشورهای جنوب، غیرمتعهد و در حال توسعه و نیز ارتباط با کشورهای قاره آفریقا در اولویت قرار گرفت. در این دوره، سفیران و رؤسای نمایندگی‌های ایران در آفریقا تا حد زیادی نقش سفیران فرهنگی را نیز ایفا می‌کردند و بخش زیادی از توان و فعالیت سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در آفریقا صرف امور فرهنگی و اجتماعی می‌شد. ارتباط با مسلمانان و کمک به جریان‌های آزادیبخش از محورهای مهم فعالیت سفارتخانه‌ها در این دوره بود. جهاد سازندگی در کنار فعالیت‌های عمرانی و اجتماعی، در بخش فعالیت‌های تبلیغی نیز همکاری می‌کرد.

۳. روابط اقتصادی

در این دوران، به سبب اقتصاد آشفته کشور پس از انقلاب، هزینه‌های سرسام‌آور دوران جنگ تحمیلی و اقتصاد در تنگنای آن زمان، کاهش شدید قیمت جهانی نفت خام و نیز تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فرصتی برای برقراری روابط تجاری با آفریقا فراهم نشد. با این‌همه، ایران در سیاست خارجی خود به منظور تقویت استقلال سیاسی و اقتصادی و دسترسی به فرصت‌های پویایی بازارهای مالی و تجاری و فناوری، حفظ سهم بازار در مراکز عمده مصرف نفت در جهان و توسعه استراتژیک و امنیتی همکاری‌های خارجی، به‌ویژه همکاری با کشورهای در حال رشد و جهان سوم، روابط تجاری با آفریقا را نیز در برنامه خود قرار داده بود. به‌رحال با بررسی آمار تجارت خارجی و علی‌رغم مسئله یادشده، براساس جدول ضمیمه شماره یک، روابط تجاری ایران با قاره آفریقا طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ وضعیت مطلوبی نداشته است (رزاقی، ۱۳۸۳).

براساس داده‌های جدول شماره یک، در فاصله بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ آمار تجارت خارجی کشور، از مجموع ۶۸۷۹ میلیون دلار کل صادرات، به‌طور میانگین تنها ۰/۵۷ درصد از این رقم به آفریقا صادر شده است که بالغ بر ۵۲ میلیون دلار می‌شود. در بخش واردات، چه به لحاظ ارزش و چه درصد سهم از کل آمار تجارت خارجی، سیر

نزولی داشته است؛ یعنی ۰/۵۴ درصد از آن (۷۳۸ میلیون دلار) کالای وارداتی از آفریقا بوده است. با مشاهده آمار موجود از کل مبادلات تجاری کشور، به خصوص مبادلات تجاری با آفریقا شاهد روند صعودی صادرات بین سال‌های ۵۸ تا ۶۷ هستیم؛ به طوری که ۲/۵۶ میلیون دلار صادرات به آفریقا در سال ۱۳۵۸، به ۱۹/۸۵ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ رسیده است. ضمن اینکه سهم قاره از کل صادرات (جدول شماره دو) نیز افزایش یافته و ۰/۳۱ درصد از کل صادرات در سال ۱۳۵۸ به ۱/۹۴ درصد از کل صادرات در سال ۱۳۶۷ رسیده است.

بر اساس آمار، حجم مبادلات تجاری ایران در دوران جنگ تحمیلی نشان از کاهش تجارت خارجی کشور (جدول شماره دو) دارد؛ به گونه‌ای که مبادلات تجاری از رقم ۱۰۵۹۴ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ به ۱۰۴۲۰ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ رسیده است. در این میان، حجم تجارت خارجی با آفریقا نیز از ۷۹ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ به ۴۰ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است. با نگاهی مجزا به آمار کشورهای آفریقایی، در حالی که ایران در سال ۱۳۵۸ فقط به هشت کشور از قاره صادرات داشته، این میزان در سال ۱۳۶۷ به شش کشور کاهش یافته است. همچنین طی همین مدت، از ۲۲ کشور که در سال ۱۳۵۸ واردات انجام شده، این رقم در سال ۱۳۶۷ به یازده کشور کاهش یافته است. در مجموع، ایران در سال ۱۳۵۸ با ۲۷ کشور مبادله تجاری داشته که در سال ۱۳۶۷ به پانزده کشور رسیده است.

دوره دوم: روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دوره سازندگی (۱۳۷۵-۱۳۶۸) [۳]

۱. روابط سیاسی

پس از دوران جنگ تحمیلی، به ویژه پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی دو کشور، کشورهای آفریقایی اهمیتی دوچندان در سیاست خارجی ایران پیدا کردند. در این دوران، جمهوری اسلامی ایران برای معرفی عراق به عنوان آغازگر جنگ و وادار کردن این کشور به رعایت مقررات بین‌المللی، نظیر عدم استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بمباران مناطق مسکونی، پایبندی به مفاد قطعنامه ۵۹۸ و آزادی اسیران جنگی به حمایت جامعه بین‌المللی نیاز داشت. دوران سازندگی پس از جنگ از اصلی‌ترین اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آمد؛ لذا توجیه و جلب نظر سران این کشورها برای تحقق اهداف یادشده جزء برنامه اصلی سیاست خارجی بود. این دوران نیز همانند دوره اول دارای ویژگی‌های خاصی در عرصه بین‌المللی بود:

۱. تحول در بلوک شرق و فروپاشی شوروی؛
 ۲. روابط بین‌الملل و منطقه‌ای از نظم خود خارج و به‌شدت به سمت نظم نوین و به‌عبارتی به سوی بی‌نظمی پیش می‌رفت؛
 ۳. طرح ایده نظم نوین جهانی از سوی آمریکا و دخالت آمریکا در کویت و بالکان.
 در اوضاع یادشده، دولت ایران سیاست خارجی خود را بر محورهای همچون حمایت از رشد و توسعه مستمر، تداوم سیاست تنش‌زدایی و توسعه روابط خارجی و پیگیری موضوع قطعنامه قرار داد. در چارچوب این رویکرد، دولت سازندگی با این باور که از ابتدای انقلاب فرصتی برای نشان دادن توانمندی‌ها، اصول و ارزش‌های اسلامی در جهت تأمین رفاه اجتماعی به‌دست نیامده است، تلاش کرد تا نشان دهد اسلام موتور اصلی حرکت نظام بوده و توان تأمین اجتماعی و اقتصادی مردم را دارد. بر این اساس، دولت سازندگی سیاست توسعه اقتصادی را در رأس اولویت‌های نظام قرار داد (ن.ک: برنامه اول توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران). دستگاه سیاست خارجی نیز گام‌هایی را در این زمینه‌ها برداشت:

۱. حضور مؤثرتر ایران در بازار کشورهای هدف؛
 ۲. تأمین مالی و سرمایه‌ای خارجی؛
 ۳. مقابله با بحران‌ها و کاهش چشمگیر هزینه‌های توسعه ملی؛
 ۴. توسعه ظرفیت‌های اقتصادی بلندمدت کشور.
 این رهیافت، باعث شد به‌منظور اجرایی کردن بخشی از برنامه‌های اعلام‌شده، نگاه جدیدتری به آفریقا شود؛ به‌همین سبب طی این دوره، نگاه اقتصادی به آفریقا در مقایسه با گذشته پررنگ‌تر و مهم‌تر شد. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت برتری دیپلماسی اقتصادی بر دیپلماسی سیاسی در کشورهای آفریقایی، زمینه مناسبی را برای اجرایی شدن این سیاست فراهم آورد.
 جمهوری اسلامی ایران با استفاده از این فرصت و با رویکرد سیاسی مستقل در برابر جناح‌بندی‌های معمول جهان، شرایط را به‌گونه‌ای مهیا نمود که دول آفریقایی از ایران برای میانجیگری در حل منازعات میان خود، نظیر درگیری میان سودان و اوگاندا دعوت کردند.

روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قاره آفریقا پس از جنگ تحمیلی وارد مرحله جدیدی شد. مهم‌ترین اهداف ایران در این دوره، هموارکردن راه‌های صادرات غیرنفتی به قاره آفریقا و برپایی نمایشگاه‌های مختلف اختصاصی در کشورهای این قاره

بود. اگرچه بررسی دقیق موفقیت‌ها و ناکامی‌های کشور در این زمینه مجال دیگری می‌طلبد، برگزاری نمایشگاه‌های یادشده بین سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۵ در رشد صادرات خارجی ایران مشهود بود.

نقطه عطف مناسبات جمهوری اسلامی ایران با قاره آفریقا در این دوره، سفر رسمی آقای هاشمی رفسنجانی در رأس هیئتی عالی‌رتبه از مقامات سیاسی و اقتصادی به کشورهای کنیا، سودان، تانزانیا، اوگاندا، زیمبابوه و آفریقای جنوبی در شهریور ۱۳۷۵ بود. این سفر در دوره بسیار حساسی صورت گرفت و دستاوردها و نتایج مثبتی در پی داشت. اعلام تصویب قانون داماتو مبنی بر اعمال تحریم‌های اقتصادی و منزوی کردن ایران و فضای تبلیغاتی مسموم از طریق رسانه‌های خارجی در قاره آفریقا بر اهمیت این سفر افزود. پس از این سفر فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا به این شش کشور آفریقایی ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت که نشان‌دهنده دستاوردهای سیاسی این سفر برای جمهوری اسلامی ایران بود.

۲. روابط فرهنگی

در کنار فعالیت‌های سازندگی در این سال‌ها، معرفی توانمندی‌های فنی و عمرانی ایران در این دوره، جزء اولویت‌های سیاست خارجی ایران در آفریقا قرار گرفت و تلاش شد ضمن انسجام و پرهیز از اقدامات حساسیت‌برانگیز، تحولی همه‌جانبه در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در آفریقا به وجود آید. به لحاظ توجه به فعالیت‌های اقتصادی و صادراتی که وجه غالب این دوره است، مسائل فرهنگی خارج از کشور تا حدی تحت الشعاع قرار گرفت؛ اما در اوایل دهه هفتاد چندین تحول مهم در حوزه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی اتفاق افتاد که شامل موارد زیر است:

۱. سفر رئیس جمهور اسلامی ایران به پنج کشور آفریقا در شهریور ۱۳۷۵ که بر اهمیت آفریقا در سیاست خارجی کشور صحه گذاشت.
۲. تلاش‌ها و فعالیت‌های ماندگار سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور و تأسیس مراکز فرهنگی و مذهبی در این دوره.
۳. تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که مدیریت و نظارت بر کلیه فعالیت‌های فرهنگی و ارتباطات فرهنگی با کشورهای خارجی را عهده‌دار شد.
۴. تأسیس درمانگاه‌های هلال احمر (نهضت درمانگاه‌ها) در آفریقا؛ در این دوره بیشترین تعداد درمانگاه‌ها در آفریقا تأسیس شد.

۵. حذف دفتر حرکت‌ها و نهضت‌ها از تشکیلات وزارت امور خارجه که به صورت رسمی فعالیت می‌کرد.

۳. روابط اقتصادی

در دوره سازندگی، از ابعاد اقتصادی شرایط ایجاب می‌کرد که نشان داده شود نظام اسلامی توان تأمین رفاه اجتماعی و معاش مردم را داراست؛ از این رو، توسعه اقتصادی در رأس اولویت‌های نظام قرار گرفت. در این دوران که تا سال ۱۳۷۲ به طول انجامید، سیاست خارجی کشور نیز گام‌هایی را در خصوص اهداف برنامه‌های مصوب کشور برداشت که مهم‌ترین آن‌ها در بخش اقتصادی و تجارت خارجی، حضور مؤثر ایران در بازارهای کشورهای هدف، تأمین مالی و سرمایه‌های خارجی، مقابله با بحران‌ها و کاهش هزینه‌های توسعه ملی و همچنین توسعه ظرفیت‌های اقتصادی بلندمدت در ایران بود. از آنجا که گسترش و حضور مؤثر ایران در بازار کشورهای هدف، از جمله آفریقا از برنامه‌های اصلی کشور در دوره سازندگی بود، بررسی و تحلیل روابط اقتصادی ایران و قاره آفریقا در این دوره، گویای این است که تا چه حد ایران در دستیابی به بخش‌هایی از اهداف تعیین‌شده موفق بوده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۶ زمان اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بوده و مقایسه آمارهای موجود با برنامه‌های اجراشده اول و دوم، مقیاس مناسبی برای تعیین نسبی میزان موفقیت در سیاست‌های اجرایی است (رزاقی، ۱۳۸۳).

براساس جدول شماره دو، از سال ۱۳۶۸ تا ابتدای سال ۱۳۷۶، در مجموع ۲۲۷۳۰ میلیون دلار به نقاط مختلف جهان کالا صادر شده که از این رقم فقط ۳۴۶ میلیون دلار آن به آفریقا اختصاص داشته است. همچنین در شرایطی که کل واردات کشور ۱۴۸۱۸۷ میلیون دلار به ثبت رسیده، سهم آفریقا از این میزان واردات، تنها ۱۱۳۷ میلیون دلار است. بر همین اساس، مجموع تجارت خارجی ایران رقمی در حدود ۱۷۰۹۱۷ میلیون دلار بوده که سهم آفریقا از تجارت خارجی ۱۴۸۳ میلیون دلار برآورد شده است.

از سال ۱۳۶۸-۱۳۷۵ یک روند نامنظم صادراتی به آفریقا مشاهده می‌شود؛ گاهی افزایش و گاهی کاهش صادرات به قاره وجود داشته است. از لحاظ درصد سهم قاره از کل صادرات، روند نزولی به چشم می‌خورد؛ به طوری که سهم ۲/۴۲ درصدی در سال ۱۳۵۸ به ۰/۸۴ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در مورد واردات، سیر جزئی سعودی

وجود داشته است؛ به طوری که در آخرین سال از دوران سازندگی میزان واردات از آفریقا با ۲۴۸ میلیون دلار تقریباً دو برابر واردات در اولین سال از این دوره، یعنی سال ۱۳۶۸ بوده است. همین وضع از نظر درصد سهم قاره از کل واردات نیز مشاهده می‌شود؛ به طوری که ۰/۸۶ درصد سهم قاره در سال ۱۳۵۸ به ۱/۶۴ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در واقع علی‌رغم اینکه در محورهای برنامه پنج‌ساله اول و دوم توسعه کشور، بر گسترش روابط با کشورهای هدف تأکید شده، رشدی چشمگیر در روابط تجاری ایران با این قاره عظیم وجود نداشته است؛ زیرا میانگین درصد صادرات به آفریقا طی مدت یادشده ۱/۶۶ درصد از کل صادرات و میانگین درصد واردات از قاره نیز در این مدت فقط ۰/۸۸ درصد از کل واردات کشور را نشان می‌دهد. در مجموع، مبادلات تجاری ایران نشان‌دهنده ۱/۰۱ درصد و گویای واقعیات زیادی است. نکته قابل توجه اینکه، بیشتر سهم صادرات جمهوری اسلامی ایران را حوزه شمال آفریقا تشکیل می‌دهد و کشورهای آفریقای سیاه سهم ناچیزی در این بخش دارند؛ به گونه‌ای که میانگین صادرات به کشورهای شمال آفریقا ۷۵ درصد و کشورهای زیر خط صحرای ۲۵ درصد می‌باشد.

طی دوران سازندگی، ۳۴۶ میلیون دلار صادرات، ۱۱۳۷ میلیون دلار واردات و در مجموع ۱۴۸۳ میلیون دلار حجم مبادلات تجاری با قاره آفریقا بوده است. برخلاف دوره گذشته (۱۳۵۸-۱۳۶۸)، براساس آمار دوره سازندگی، تعداد طرف‌های تجاری آفریقایی از لحاظ مبادلات تجاری افزایش یافته است. تعداد طرف‌های صادراتی کشور در آفریقا در سال ۱۳۶۸ فقط نه کشور بوده که در آخرین سال این دوره (۱۳۷۵) به سی کشور رسیده است؛ اما آمار طرف‌های وارداتی نشان از کاهش دارد؛ یعنی شانزده کشور تأمین‌کننده واردات ایران در سال ۱۳۶۸ به ده کشور در سال ۱۳۷۵ رسیده است. به‌هرحال در مبادلات تجاری، شاهد افزایش طرف‌های تجاری هستیم؛ یعنی از ۲۱ کشور طرف تجاری در سال ۱۳۶۸ به ۲۱ کشور در سال ۱۳۷۵ رسیده‌ایم.

از رخدادهای مثبت این دوره که در روابط تجاری با کشورهای آفریقایی مؤثر بوده است، می‌توان به سفر آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، به چند کشور آفریقایی و گفت‌وگو با سران و مقامات و امضای موافقت‌نامه‌های متعددی اشاره کرد که در پی آن، شورایی با نام شورای عالی آفریقا به‌منظور پیگیری توافقات و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای گسترش همکاری‌ها با آفریقا تأسیس شد. ایجاد اولین خط پروازی بین ایران و آفریقا نیز از نتایج مثبت این دوره به‌شمار می‌رود که البته در پایان این دوران صورت گرفت و نتیجه مطلوبی نداشت.

دوره سوم: روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دوران اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۳) [۴]

۱. روابط سیاسی

از سال ۱۳۷۶ با تحولاتی که در درون نظام صورت گرفت، روابط خارجی نیز متأثر از این حرکت، فضایی را به وجود آورد که منجر به تغییر برداشت افکار عمومی جهان از جمهوری اسلامی ایران در عرصه دوجانبه و بین‌المللی شد.

طرح «گفت‌وگوی تمدن‌ها» از سوی آقای خاتمی در زمانی که برخی صاحب‌نظران آمریکایی با طرح ایده جنگ تمدن‌ها سعی در قرار دادن کشورهای اسلامی و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران در رأس جنگ‌طلبان تمدنی داشتند، ابتکاری برخاسته از زمینه‌های یادشده و اقدامی تهاجمی و پیشگیرانه در خصوص سیاست تنش‌زدایی و بهبود روابط با دول خارجی و رژیم‌های بین‌المللی بود. گفتنی است که طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها از سوی ریاست جمهوری وقت بازتاب مثبتی در اصلاح سوءبرداشت‌ها به دنبال داشت (وزارت امور خارجه، گزارش عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۶-۱۳۸۴).

از محورهای اساسی و اهداف و برنامه‌های سیاست خارجی این دوران می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. حمایت از رشد و توسعه مستمر از طریق گسترش ظرفیت‌های اقتصادی، کاهش هزینه‌های توسعه ملی، حضور جدی‌تر در بازارهای جهانی، تأمین مالی مناسب و دسترسی به منابع مالی و سرمایه‌ای جهان و...

۲. دفاع از هویت و ارزش‌ها و اعتلای تفاهات بین‌المللی با طرح ایده‌های بین‌المللی، نظیر گفت‌وگوی تمدن‌ها، ایجاد جامعه مدنی و ائتلاف برای صلح، تعمیم فرهنگ توجه به سیاست خارجی، غیرامنیتی شدن فضای عمومی کشور، جهانی‌سازی ارزش‌های اسلامی، گسترش روابط خارجی و افزایش تحرکات سیاسی در زمینه‌های گوناگون و ارتقای سطح تبادلات هیئت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و سرانجام افزایش ملاقات‌های رهبران جهان با مقامات ایرانی در جهت مشارکت بیشتر در صلح و امنیت منطقه و جهان و مبارزه با جنایات سازمان‌یافته و غیره.

شرایط به‌وجودآمده در دوران اصلاحات، موقعیتی را فراهم آورد تا جمهوری اسلامی ایران با فراغت بیشتر در جهت پیشبرد اهداف نظام اسلامی گام بردارد. تدوین برنامه سوم در این دوران، زمینه مناسبی را برای فعالیت در بخش‌های مختلف پیش روی کارگزاران قرار داد. از این رو، اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برنامه توسعه سوم،

آفریقا با داشتن موقعیت خاص، مورد توجه قرار گرفت، اقدامات مؤثری در این زمینه انجام داده شد و سطح روابط سیاسی با برخی کشورهای آفریقایی ارتقا یافت؛ از جمله روابط سیاسی ایران با الجزایر که از سال ۱۳۷۲ قطع شده بود، بعد از ملاقات دو رئیس جمهور در حاشیه اجلاس هزاره سازمان ملل، از شهریور سال ۱۳۷۹ از سر گرفته شد. ارتقای سطح روابط سیاسی ایران با اوگاندا در اواخر سال ۱۳۷۸، ساحل عاج در مهر ۱۳۷۷، نیجریه در سال ۱۳۷۷، کنگو دمکراتیک در سال ۱۳۸۱ و گفت‌وگو در کمیسیون ویژه هیئت دولت برای ارتقای روابط با بوتسوانا، زامبیا و افتتاح سفارت مالی در تهران در سال ۱۳۷۷ از مصداق‌های تفکر تازه سیاست خارجی ایران در دوران اصلاحات می‌باشد.

در دوره اصلاحات به دلیل اهمیت و ضرورت پیوستن بدنه اجرایی و نهادهای دانشگاهی به منظور تحلیل و بررسی علمی اوضاع جهانی، با تلاش وزارت امور خارجه، مرکز مطالعات آفریقا در دانشگاه تربیت مدرس تأسیس شد. از سوی دیگر، جهت شناساندن بازار بکر آفریقا به مردم با همکاری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برنامه ۵۲ قسمتی تلویزیونی «سرزمین طلا» با تخصیص بودجه و اعتبار لازم در دستور کار قرار گرفت.

۲. روابط فرهنگی

در دوره اصلاحات، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد حساسیت‌ها و برخی تنش‌های سیاسی با دیگر کشورها را رفع کند. تلاش جهت ورود به تحرکی جدید برای شناساندن چهره انقلاب اسلامی به جهان و ایجاد فضای گفت‌وگوهای سازنده و مؤثر با دیگر دولت‌ها و ملت‌ها، به‌ویژه در عرصه فرهنگ با عنوان «گفت‌وگوی تمدن‌ها» صورت گرفت. با پیشنهاد آقای خاتمی، رئیس جمهور وقت، گفت‌وگوی تمدن‌ها هسته اصلی سیاست خارجی تعیین شد و مسئولیت بزرگی بر دوش نهادهای فرهنگی و علمی گذاشته شد.

۳. روابط اقتصادی

در این دوره، تلاش دولت در بعد اقتصاد خارجی بر حضور مؤثرتر در بازارهای جهانی و به‌ویژه صدور خدمات فنی و مهندسی، مشارکت مؤثر در عرصه انرژی جهانی و تثبیت موقعیت کشور در صنایع نفت و گاز جهان با محوریت برنامه سوم توسعه اقتصادی

متمرکز بود. بررسی آمار نشان می‌دهد در این دوره، ایران توانست از ثباتی نسبی و شکوفایی اقتصادی برخوردار شود. رشد تولید ناخالص داخلی از ۳۸ درصد برنامه دوم توسعه به ۵/۲ درصد در برنامه سوم توسعه، و متوسط رشد سرمایه‌گذاری از ۷/۹ درصد در برنامه دوم به ۱۰/۷ درصد در برنامه سوم رسید. در خصوص روابط اقتصادی آفریقا نیز تمرکز بر افزایش صادرات غیرنفتی، تشویق بخش خصوصی جهت حضور در آن قاره و فراهم‌سازی زمینه‌های توسعه سرمایه‌گذاری در طرح‌های سودده آفریقا بود (رزاقی، ۱۳۸۳).

در تحلیل آماری روابط بازرگانی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای قاره آفریقا براساس آمار جدول شماره یک، باید گفت مبادلات تجاری در این دوره از یک روند صعودی چشمگیر برخوردار بوده است؛ به طوری که ۳۷/۵ میلیون دلار صادرات به آفریقا در سال ۱۳۷۶ در سال ۱۳۸۳ به ۱۴۶/۶ میلیون دلار، یعنی نزدیک به چهار برابر رسیده است. در بخش واردات، علی‌رغم رشد کل واردات کشور، روند واردات کاهش داشته است؛ به گونه‌ای که از ۲۶۸/۷ میلیون دلار واردات از آفریقا به ایران در سال ۱۳۷۶، این رقم به حدود ۱۵۳/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ رسیده است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که کالاهایی که اغلب از قاره آفریقا وارد می‌شود، مواد خام صنایع تولیدی کشور را فراهم می‌آورد و بر آن ارزش افزوده فراوانی مترتب است؛ اصولاً این نوع واردات علی‌رغم اینکه تراز تجارت را منفی می‌کند، باعث رشد صادرات غیرنفتی و ایجاد شغل در داخل می‌شود.

کل صادرات کشور به آفریقا در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) حدود ۶۸۴/۷۵ میلیون دلار و میزان واردات از آفریقا حدود ۱۴۷۵ میلیون دلار است. مقایسه این ارقام با دو دوره قبل، نشان‌دهنده موفقیت کلی برنامه‌های دولت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های اقتصادی خود در روابط با قاره آفریقا است.

جدول زیر دستاوردهای کلی کشور را در ارتقای روابط بازرگانی با آفریقا در سه دوره یادشده (۱۳۵۸-۱۳۸۴) ارائه می‌دهد:

جدول شماره ۱: آمار کلی مبادلات تجاری بین ج.ا. و کشورهای آفریقایی

در سه دوره از سال ۱۳۵۸-۱۳۸۴

دوره سوم ۱۳۸۴-۱۳۷۶	دوره دوم ۱۳۷۶-۱۳۶۸	دوره اول ۱۳۶۸-۱۳۵۸	
۶۸۴/۷۵	۳۴۵/۵۴	۵۱/۷۷	صادرات به آفریقا
۱۴۷۵	۱۱۳۷/۲۴	۷۳۷/۴۹	واردات از آفریقا
۲۱۵۹/۷۵	۱۴۸۲/۷۸	۷۸۹/۲۶	حجم مبادلات

در دوره اصلاحات با توجه به آمار ارائه شده، علی‌رغم اینکه شاهد رشد برخی شاخص‌های اقتصادی و تجاری هستیم، سهم توجه به آفریقا همچنان در حد و اندازه‌های این قاره پهناور نیست. با مقایسه حجم مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران و آفریقا با حجم تجارت جهانی، سهم تجارت با این قاره حتی به ۲ درصد از کل حجم تجارت خارجی ایران با جهان نرسیده است.

مجموع صادرات به آفریقا در سه دوره اول از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۳، حدود ۱۰۸۲۰۶ میلیون دلار است که این میزان صادرات به‌طور میانگین به بیست کشور آفریقایی بوده است. در سال ۱۳۵۸ ایران به نُه کشور آفریقایی صادرات داشته که این میزان در سال ۱۳۸۳ به ۴۴ کشور رسیده است. از نظر رتبه‌بندی، کشورهای شاخص قاره در جذب صادرات ایران طی ۲۶ سال، به‌ترتیب شامل کشورهای سودان، لیبی، آفریقای جنوبی، تونس و مصر بوده‌اند.

مجموع واردات از آفریقا در ۲۶ سال (۱۳۵۸-۱۳۸۳) حدود ۳۳۴۹۷۳ میلیون دلار بوده که این میزان واردات به‌طور میانگین از چهارده کشور قاره صورت گرفته است. در سال ۱۳۵۸ از ۲۲ کشور آفریقایی واردات داشته و در سال ۱۳۸۳ این میزان به پانزده کشور کاهش یافته است. از نظر رتبه‌بندی، کشورهای شاخص قاره در تأمین واردات ایران طی ۲۶ به‌ترتیب شامل کشورهای آفریقای جنوبی، تونس، مراکش، سنگال و موزامبیک بوده‌اند.

دوره چهارم: روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دوره چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۷) [۵]

۱. روابط سیاسی

با آغاز دولت جدید به ریاست جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد از اواسط سال ۱۳۸۴، در کنار تحولات و رویکردهای پیشین سیاست خارجی ایران در قبال قاره آفریقا، رویکردها و نگاه جدید دولت جمهوری اسلامی ایران نیز مطرح شد. گسترش روابط سیاسی و توجه بیش از پیش به مناسبات همه‌جانبه با کشورهای آفریقایی از مهم‌ترین شاخصه‌های رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال آفریقا در این دوره است. بازتاب عملی رویکرد جدید، سفر جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور اسلامی ایران، به گامبیا به‌عنوان مهمان ویژه در هشتمین اجلاس سران اتحادیه آفریقا در تابستان ۱۳۸۵، یعنی در یک‌سال اول آغاز به‌کار دولت جدید بود. این سفر که ابتدای دوره ریاست جمهوری ایشان انجام گرفت (گفتنی است که در دوره‌های گذشته سفر رؤسای جمهور کشور به قاره آفریقا در یک‌سال آخر ریاست آنان انجام گرفت). نشان‌دهنده اهتمام و توجه دولت جدید به آفریقا و قرار گرفتن این قاره به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی ایران است.

در تحلیل کلی انگیزه‌های دولت جدید درباره روابط با آفریقا، می‌توان اصل و منشأ آن را در محورهای داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران دانست. از بعد داخلی باید اذعان کرد از ابتدای شروع تبلیغات ریاست جمهوری، رئیس‌جمهور توجه به کشورهای جهان سوم، همکاری جنوب - جنوب و نفی سلطه قدرت‌های بزرگ در ابعاد وسیع و کلان و گسترش ارزش‌های انسانی و اسلامی را شعار خود قرار داد. از بعد بین‌المللی نیز پس از گذشت بیش از دو سال تعامل کاملاً مسالمت‌آمیز و شفاف جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی درباره فعالیت‌های صلح‌آمیز اتمی ایران، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رعایت تمامی قوانین و مقررات موجود، غربی‌ها نه‌تنها از اصرار و مخالفت همراه با تهدید خود مبنی بر توقف کامل این فعالیت‌ها نکاسته‌اند، بلکه آن را تشدید کرده‌اند. این شرایط با شروع به کار دولت جدید در ایران همزمان شد؛ از این‌رو، نظام جمهوری اسلامی ایران مصمم شد سیاست خارجی صریح‌تر و تهاجمی را برای دفاع از مواضع و برنامه‌های خود پیگیری کند. برای این منظور تحرک جدیدی نیاز بود که ارتباط با کشورهای جهان سوم برای جلب حمایت آنان برای مواضع جمهوری اسلامی ایران و در جهت تحکیم جهت‌گیری‌ها و تلاش‌های صورت‌گرفته برای

شکستن تابوی انحصار بهره‌برداری از چرخه سوخت و غنی‌سازی اورانیوم از سوی کشورهای محدود غربی، صورت گیرد. بنابراین، تعامل و همکاری با کشورهای قاره آفریقا با ظرفیت ۵۴ کشور جهان سوم و در حال توسعه، در کنار دلایل و انگیزه‌های قبلی، به‌آسانی می‌تواند در جهت تحقق اهداف کشور به‌کار گرفته شود.

در نگاهی کلی، رویکردهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در روابط با آفریقا در این دوره به شرح زیر است: برخورداری از حمایت کشورهای آفریقایی در مجامع بین‌المللی از جمله مسائل هسته‌ای، حقوق بشر، توسعه مناسبات با اتحادیه آفریقا و سازمان‌های منطقه‌ای، تعمیق همکاری‌ها با کشورهای حاشیه اقیانوس هند و جنبش عدم‌تعهد، افزایش نمایندگی‌های سیاسی ایران در آفریقا و تشویق دیگر کشورهای آفریقایی به گشایش سفارت‌خانه در تهران، افزایش رفت و آمدها در زمینه‌های مختلف همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آفریقایی.

۲. روابط اقتصادی

در ابتدای این دوره، دولت امور اقتصادی روابط با کشورهای آفریقایی را به ستاد برنامه‌های توسعه واگذار نمود که تحت نظر معاون اجرایی رئیس جمهور فعالیت می‌کرد. براساس جدول شماره دو، افزایش چشمگیری در حجم مبادلات تجاری با کشورهای آفریقایی در مقایسه با دوره‌های قبلی خود داشته است. با توجه به اینکه تحلیل آماری دوره جدید به‌طور کامل ممکن نیست، به این دلیل که تنها سه سال از شروع آن می‌گذرد و فقط آمار کارشناسی شده سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ در اختیار است، می‌توان به بررسی این دوسال و مقایسه آن با دوره‌های قبلی پرداخت.

در تحلیل آماری روابط بازرگانی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای قاره آفریقا براساس آمار جدول شماره دو، باید گفت مبادلات تجاری این دوسال از یک روند صعودی چشمگیری برخوردار بوده است؛ به‌طوری‌که ۱۴۲ میلیون دلار صادرات به آفریقا در سال ۱۳۸۴، به ۲۷۰ میلیون دلار، یعنی نزدیک به دو برابر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. در بخش واردات از آفریقا از ۲۱۹ میلیون دلار در سال ۱۳۸۴ به ۳۰۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۵ رسیده که حدود ۷۰ درصد بر میزان ارزش واردات افزوده شده است. بر اساس این، حجم مبادلات نیز از ۳۶۲ میلیون دلار در سال ۱۳۷۴ به حدود ۵۷۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

با نگاهی به آمار مبادلات تجاری این دوسال (۱۳۸۴-۱۳۸۵) و آمار مبادلات تجاری در سال‌های قبل از آن، چند نکته را می‌توان دریافت: اول اینکه روند صعودی مبادلات تجاری به‌طور مرتب تا سال ۱۳۸۴ هم در بخش واردات و هم صادرات ادامه یافته؛ اما این روند در سال ۱۳۸۵ به‌طور چشمگیری افزایش داشته است. دلیل عمده آن را می‌توان بیشتر بر مبنای افزایش جهانی قیمت کالاها ارزیابی کرد که خود از افزایش جهانی قیمت نفت خام نشئت گرفته است. دوم اینکه آمار واردات در دوسال دولت جدید در مقایسه با گذشته، رشد بیشتری را از لحاظ ارزش نسبت به صادرات نشان می‌دهد. به‌رحال با در اختیار داشتن آمار مبادلات تجاری ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ نمی‌توان تحلیلی به‌دست داد که نشان‌دهنده وضعیت روابط با آفریقا در برنامه‌ها و سیاست‌های دولت جدید باشد؛ از این‌رو، نیازمند زمان بیشتری است تا بتوان براساس آمارهای کامل و دقیق میزان اجرایی شدن سیاست‌ها و برنامه‌های دولت جدید را تحلیل و ارزیابی کرد.



جدول شماره ۲: سهم مبادلات جمهوری اسلامی ایران با قاره آفریقا و در مقایسه با کل جهان

ردیف	سال (۲۸ سال)	ارقام مبادلات ج.ا.ا با کشورهای آفریقایی					مبادلات ج.ا.ا به کل جهان
		صادرات به آفریقا	واردات از آفریقا	حجم مبادلات	توازن تجاری	درصد مبادلات به آفریقا نسبت به کل مبادلات	
۱	۱۳۵۸	۲۵۶۹۳۴	۷۶۹۱۶۸۴۸	۷۹۴۸۶۱۸۸	-۷۴۳۴۷۵۰۸	%۰/۱۷۵	۱۰۵۹۴۲۸۴۴۷۷
۲	۱۳۵۹	۱۵۱۸۵۹۱	۹۴۸۰۵۵۶۹	۹۶۳۲۳۱۶	-۹۳۲۸۷۹۷۸	%۰/۱۸۱۹	۱۱۷۵۴۱۶۳۳۰
۳	۱۳۶۰	۱۰۰۹۴۸۵	۱۸۵۲۰۰۱۷۸	۱۸۶۲۰۹۶۶۳	-۱۸۴۱۹۰۶۹۳	%۱/۱۶۲	۱۱۴۴۳۸۶۱۱۶۸
۴	۱۳۶۱	۵۴۴۸۵۷	۵۰۱۸۲۹۷۶	۵۰۷۲۷۸۳۳	-۴۹۶۳۸۱۱۹	%۰/۱۳۲۱	۱۵۷۹۷۶۰۷۰۴۶
۵	۱۳۶۲	۱۱۱۵۳۳۳	۹۰۲۶۴۹۱	۹۱۳۸۰۲۴۳	-۸۹۱۴۹۵۷۷	%۰/۱۶۳۱	۱۴۷۶۲۰۶۳۰۸۶
۶	۱۳۶۳	۱۰۳۶۰۲	۸۳۰۹۲۴۲۸	۸۴۱۲۸۴۴۸	-۸۲۰۵۶۴۰۸	%۰/۱۳۶۴	۲۳۰۸۲۲۷۹۷۹۹
۷	۱۳۶۴	۷۸۱۸	۵۵۱۵۹۶۹۳	۵۵۱۶۷۵۱۱	-۵۵۱۵۱۸۷۵	%۰/۱۳۵۱	۱۵۷۰۲۵۷۳۵۰۵
۸	۱۳۶۵	۱۴۰۸۶۰۸۳	۳۶۱۶۵۳۱۹	۵۰۲۵۱۴۰۲	-۲۲۰۷۹۲۳۶	%۰/۱۴۴۵	۱۱۲۹۷۲۶۹۸۴۱
۹	۱۳۶۶	۱۰۰۴۴۳۷۷	۴۶۰۲۸۶۰۸	۵۶۰۷۲۹۸۵	-۳۵۹۸۴۳۳۱	%۰/۱۵۳	۱۰۵۷۰۸۹۳۳۵۴
۱۰	۱۳۶۷	۱۹۸۵۷۰۱۱	۱۹۸۸۲۱۱۱	۳۹۷۳۹۱۲۲	-۲۵۱	%۰/۳۸	۱۰۴۱۹۹۵۵۶۸۲
۱۱	۱۳۶۸	۲۵۷۸۶۰۳۶	۱۱۳۵۵۲۵۸۷	۱۳۹۳۳۸۶۳۳	-۸۷۷۶۶۵۵۱	%۰/۹۷	۱۴۳۱۴۱۸۹۳۸۹
۱۲	۱۳۶۹	۸۳۴۳۰۶۱	۱۴۳۴۹۸۱۴۶	۱۵۱۸۴۱۲۰۷	-۱۳۵۱۵۵۰۸۵	%۰/۱۷۹	۱۹۳۶۹۹۶۲۶۷۶
۱۳	۱۳۷۰	۱۴۸۰۰۶۸۹	۱۰۴۸۰۴۴۷۷	۱۱۹۶۰۵۱۶۶	-۹۰۰۰۳۷۸۸	%۰/۳۸	۳۱۴۸۵۷۰۹۲۳۴
۱۴	۱۳۷۱	۵۸۲۵۷۶۱۸	۱۶۵۲۹۵۵۳۷	۲۳۳۵۵۳۱۵۵	-۱۰۷۰۳۷۹۱۹	%۰/۱۷۱	۳۱۴۹۹۹۹۸۰۶۴
۱۵	۱۳۷۲	۱۳۹۷۹۸۷۰۶	۱۰۵۳۶۸۵۸۱	۲۴۵۱۶۷۲۸۷	۳۴۴۳۰۱۳۵	%۱/۰۳	۲۳۷۸۳۳۸۹۵۲۵
۱۶	۱۳۷۳	۲۷۷۲۶۲۴۵	۱۴۸۰۹۸۴۴۶	۱۷۵۸۳۴۷۰۰	-۱۲۰۳۷۲۱۹۲	%۱/۰۵	۱۶۷۹۴۲۴۶۸۷۰
۱۷	۱۳۷۴	۴۴۸۳۹۸۹۸	۱۰۸۵۹۴۸۰۹	۱۵۳۴۳۴۷۰۷	-۶۳۷۵۴۹۱۱	%۰/۹۹	۱۵۵۳۳۵۴۴۰۹۲
۱۸	۱۳۷۵	۲۶۰۲۳۹۲۸	۲۴۸۲۵۸۰۰۳	۲۷۴۲۸۱۹۳۱	-۲۲۲۳۳۴۰۷۵	%۱/۵۱	۱۸۳۲۲۳۵۰۰۳۹
۱۹	۱۳۷۶	۳۷۵۴۵۳۰۵	۲۶۸۷۲۶۱۶۰	۳۰۶۲۷۱۴۶۵	-۲۳۱۱۸۰۸۵۵	%۱/۸	۱۷۰۷۲۳۶۵۲۴۰
۲۰	۱۳۷۷	۳۸۸۲۷۷۴۶	۱۷۳۷۵۳۵۳۴	۲۱۲۵۸۱۲۸۰	-۱۳۴۹۲۵۷۸۸	%۱/۲۳	۱۷۳۳۶۷۵۳۵۰۲
۲۱	۱۳۷۸	۶۱۴۴۹۱۵۱	۲۰۰۵۲۸۶۱۷	۲۶۱۹۷۷۷۶۸	-۱۳۹۰۷۹۴۶۶	%۱/۳۶	۱۶۰۱۱۳۹۰۰۰۰
۲۲	۱۳۷۹	۷۴۰۷۳۲۰۹	۲۴۰۸۱۴۷۲۲	۳۱۴۸۸۷۹۳۱	-۱۶۶۷۴۱۵۱۳	%۱/۷۴	۱۸۱۰۶۵۴۰۰۰۰
۲۳	۱۳۸۰	۸۶۰۴۱۲۱۷	۱۶۴۱۱۰۵۴۸	۲۴۹۱۵۱۷۶۵	-۷۷۰۶۹۳۳۱	%۱/۱۴	۲۱۸۶۶۷۸۰۰۰۰
۲۴	۱۳۸۱	۱۱۹۶۳۹۵۵۵	۱۳۵۷۵۸۰۸۸	۲۵۵۳۹۷۴۶۳	-۱۶۱۱۸۵۳۳	%۰/۹۵	۲۶۸۸۳۵۸۰۰۰۰
۲۵	۱۳۸۲	۱۲۰۱۹۰۰۰۰	۱۴۵۶۲۰۰۰۰	۲۶۵۸۱۰۰۰۰	-۲۵۹۳۰۰۰۰	%۰/۸۲	۳۲۵۶۹۹۰۰۰۰۰
۲۶	۱۳۸۳	۱۴۶۶۹۳۰۰۰	۱۵۳۳۸۵۰۰۰	۳۰۰۰۷۸۰۰۰	-۱۲۵۸۱۱	%۰/۷	۴۲۹۶۰۸۰۰۰۰۰
۲۷	۱۳۸۴	۱۴۲۳۱۱۰۰۰	۲۱۹۹۳۱۰۰۰	۳۶۲۲۴۲۰۰۰	-۷۷۲۳۶۰۰۰	%۰/۷۲	۵۰۷۴۰۷۰۰۰۰۰
۲۸	۱۳۸۵	۲۷۰۴۴۰۸۷۷	۳۰۷۰۲۲۶۳۸	۵۷۷۴۶۳۵۶۵	-۳۶۵۸۱۷۶۱	%۰/۱	۵۷۶۹۰۸۰۰۰۰۰
جمع		۱۴۹۱۳۳۱۳۳۲	۳۸۰۲۵۸۱۱۱۴	۵۲۹۱۷۰۳۷۲۴			۵۹۷۰۵۸۹۰۲۸۸۹

نتیجه گیری

ایران از دیرباز دارای روابط با سرزمین‌های آفریقایی بوده است. این ارتباط از دوران پادشاهی‌های قبل از ظهور اسلام ثبت شده که بیشتر به صورت توسعه قلمرو و در

چارچوب کشورگشایی‌های امپراتورهای باستانی ایران بوده است. با ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، روابط ایرانیان با آفریقا در قالب مبادلات بازرگانی و اهداف تبلیغی و گسترش دین اسلام بروز کرد که در شرق آفریقا آثار ماندگاری برجای نهاد. تعدادی از بازرگانان شیرازی در چندین قرن قبل در شرق آفریقا مستقر شدند و دولت‌هایی را بنیان نهادند.

روابط سیاسی ایران در دوران پهلوی با کشورهای آفریقایی، عموماً کشورهای زیر خط صحرا حاکی از این واقعیت است که روابط دو طرف در این دوره از سیاست منسجم و از پیش تعیین شده‌ای پیروی نکرده است. روابط سیاسی حکومت پهلوی با کشورهای آفریقایی بیشتر متأثر از سه زمینه بود: ۱. روابط شخصی شاه و اطرافیان با رهبران و رؤسای کشورهای آفریقایی؛ ۲. گرایش و همسویی برخی کشورهای آفریقایی به جهان غرب و به‌ویژه آمریکا؛ ۳. اهمیت استراتژیک کشورهای آفریقایی. همسویی سیاست‌های غربگرایانه حکومت پهلوی با سیاست برخی کشورهای آفریقایی از انگیزه‌های برقراری روابط سیاسی بود. روابط جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب با آفریقا، تحول تازه‌ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی برقراری روابط با کشورهای جهان سوم، از جمله ممالک آفریقایی را در صدر سیاست‌های خود قرار دادند؛ از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز به‌سرعت مورد توجه مردم کشورهای آفریقایی قرار گرفت.

روابط جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای آفریقایی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از سال ۱۳۵۷ تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۸ سال) در چهار دوره می‌توان بررسی کرد:

۱. روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تا سال ۱۳۶۸: روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران را با آفریقا در این دوره بایست در چارچوب ساختار نظام دوقطبی و فضای حاکم بر دوران جنگ سرد در روابط بین‌الملل ارزیابی و تحلیل کرد. روابط بیشتر جنبه آرمانی داشته و برقراری و گسترش روابط سیاسی و حمایت از جنبش‌های آزادیبخش بیشتر در چارچوب روابط عدم‌تعهد قابل تحلیل است. از لحاظ فرهنگی، در این دوره، سفیران و رؤسای نمایندگی‌های ایران در آفریقا تا حد زیادی نقش سفیران فرهنگی را نیز داشتند و بخش زیادی از توان و فعالیت سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در آفریقا صرف

- امور فرهنگی و اجتماعی شد و ارتباط با مسلمانان و کمک به جریان‌های آزادیبخش از محورهای مهم فعالیت سفارتخانه‌ها در این دوره بود.
۲. روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دورهٔ سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۵): با پایان جنگ تحمیلی، همکاری سیاسی با کشورهای آفریقایی اهمیت بیشتری برای جمهوری اسلامی یافت. ایران برای معرفی عراق به‌عنوان آغازگر جنگ و وادار کردن این کشور به رعایت مقررات بین‌المللی نظیر عدم استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بمباران مناطق مسکونی، پایبندی به مفاد قطعنامه ۵۹۸ و آزادی اسیران جنگی، به حمایت جامعهٔ بین‌المللی نیاز داشت و از طرف دیگر، به‌منظور پیشبرد برنامه‌های دوران سازندگی در ابعاد خارجی آن نیازمند توجه و جلب نظر سران این کشورها بود. از لحاظ فرهنگی در این دوره، سازمان‌های مسئول به‌منظور اجرایی‌شدن سیاست‌های دولت، به فعالیت‌های عمرانی در داخل و در خارج کشور دست یازیدند؛ از این رو، معرفی توانمندی‌های فنی و عمرانی ایران در این دوره جزء اولویت‌های سیاست خارجی ایران در آفریقا قرار گرفت و تلاش شد ضمن انسجام و پرهیز از اقدامات حساسیت‌برانگیز، تحولی همه‌جانبه در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در آفریقا به‌وجود آید. در کنار این رویکرد، سازمان‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز حضور فیزیکی در کشورهای آفریقایی پیدا کردند. از جهت اقتصادی توسعهٔ ظرفیت‌های اقتصادی بلندمدت جمهوری اسلامی ایران در آفریقا از برنامه‌های اصلی دولت در آن مقطع زمانی بود. آمارهای مبادلات بازرگانی آن دوره نشان‌دهندهٔ رشد و ارتقای کمی و کیفی همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی با آفریقا است.
۳. روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دوران اصلاحات (۱۳۷۶ - ۱۳۸۳): از سال ۱۳۷۶ با روی کار آمدن دولت جدید، تلاش‌ها در سیاست خارجی بر تنش‌زدایی و بهبود روابط با دول خارجی و رژیم‌های بین‌المللی متمرکز شد. در اجرای برنامهٔ توسعهٔ سوم، آفریقا مورد توجه قرار گرفت، اقدامات مؤثری در این زمینه انجام شد و سطح روابط سیاسی با برخی از کشورهای آفریقایی ارتقا یافت. در زمینه‌های فرهنگی، تلاش شد فضای گفت‌وگوهای سازنده و مؤثر با کشورهای آفریقایی با محوریت ایدهٔ «گفت‌وگوی تمدن‌ها» فراهم شود. روابط علمی و دانشگاهی بین سازمان‌ها و نهادهای دو طرف در این دوره افزایش چشمگیری یافت. تلاش دولت در بعد اقتصاد خارجی نیز بر حضور مؤثرتر در بازارهای جهانی، صدور خدمات فنی و مهندسی، مشارکت مؤثر در عرصهٔ انرژی جهانی و تثبیت موقعیت کشور در صنایع نفت و گاز جهان با محوریت برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی متمرکز شد.

۴. روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا در دوره جدید (۱۳۸۴ - ۱۳۸۵): با آغاز به کار دولت جدید به ریاست جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد از اواسط سال ۱۳۸۴، در کنار تحولات و رویکردهای پیشین سیاست خارجی ایران در ارتباط با قاره آفریقا، رویکردها و نگاه جدید دولت بیشتر به گسترش روابط سیاسی و توجه بیش از پیش به مناسبات همه‌جانبه با کشورهای آفریقایی معطوف شد. سفر جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد، رئیس جمهور اسلامی ایران، به گامبیا در تابستان ۱۳۸۵، یعنی در یک‌سال اول آغاز به کار دولت جدید، شاخصه این دو سال است. اعلام سیاست توجه به کشورهای جهان سوم، همکاری جنوب - جنوب و نفی سلطه قدرت‌های بزرگ در ابعاد وسیع و کلان در کنار اتخاذ سیاست خارجی صریح و تهاجمی جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از مواضع و برنامه‌های صلح‌آمیز انرژی اتمی - که بعد از دو سال مذاکره با غربی‌ها، با فشار و اصرار آنها مبنی بر تعلیق کامل این فعالیت‌ها مواجه شده بود - از شاخص‌های اصلی گسترش روابط با کشورهای آفریقا در ابعاد سیاسی بود. سخن آخر اینکه، با نگاهی به چند دوره که از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بررسی شد، می‌توان دریافت روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی طی ۲۸ سال، متأثر از رویکردهای داخلی و بین‌المللی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است.

پی‌نوشت

۱. براساس اسناد و مدارک موجود در وزارت امور خارجه جمهوری، در مذاکرات بین‌مقامات جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از رهبران و مسئولان دولتی کشورهای آفریقایی که در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام گرفت، موضع‌گیری‌ها و اظهارات آنان نشان‌دهنده توجه دولت‌های آفریقایی به انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بوده است. اقبال کشورهای آفریقایی طی این دوره برای برقراری روابط با جمهوری اسلامی ایران نمودار این موضوع است.
۲. وزارت امور خارجه، اداره اسناد و آرشیو، اسناد روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸.
۳. وزارت امور خارجه، اداره کل آفریقا، اسناد و گزارش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و آفریقا در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵.
۴. وزارت امور خارجه، اداره کل آفریقا، اسناد و گزارش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و آفریقا در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳.
۵. وزارت امور خارجه، اداره کل آفریقا، گزارش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و آفریقا در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.

منابع

- امینی، علیرضا (۱۳۸۱)؛ *تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی*؛ تهران: صدای معاصر.
- بانک توسعه صادرات؛ *گزارشات مربوط به روابط با کشورهای آفریقایی*.
- رزاقی، اسماعیل (۱۳۸۳)؛ *تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با قاره آفریقا*؛ تهیه شده برای سفارت جمهوری اسلامی ایران در کینشازا، وزارت امور خارجه، اداره کل آفریقا.
- الفهمی، عبدالسلام عبدالعزیز (۱۳۵۷)؛ *ایرانی‌ها و شرق آفریقا*؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عرب‌احمدی، امیربهرام (۱۳۷۹)؛ «ایرانیان در شرق آفریقا»، *ماهنامه جامعه و فرهنگ آفریقا*؛ ش ۲۸، ۲۹، ۳۱، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۲)؛ «پیشینه فرهنگی ایرانیان در شرق آفریقا»، *مطالعات آفریقا*؛ ش ۷، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، بهار و تابستان.
- موسوی خراسانی، سیدحسین (۱۳۷۵)؛ «تمدن و فرهنگ ایرانیان در شرق آفریقا»، *مطالعات آفریقا*؛ س ۲، ش ۴.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)؛ *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*؛ تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.
- وزارت امور اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران؛ *برنامه اول توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴)؛ *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی: ۱۳۰۰-۱۳۵۷*؛ تهران: نشر پیکان.
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)؛ «مواضع سیاست خارجی»، *مجموعه سخنرانی‌های آقای دکتر ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران در سه کشور آفریقایی (آفریقای جنوبی، زیمبابوه و موزامبیک) در سال ۱۳۷۴*؛ تهران: وزارت امور خارجه اداره کل اطلاعات و مطبوعات، صص ۵۸-۷۶.
- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران؛ *گزارش عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۶-۱۳۸۴*.
- وزارت امور خارجه، اداره اسناد و آرشیو؛ *اسناد روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸*.

- وزارت امور خارجه، اداره کل آفریقا؛ اسناد و گزارشات روابط جمهوری اسلامی ایران و آفریقا در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵.
- وزارت امور خارجه، اداره کل آفریقا؛ اسناد و گزارشات روابط جمهوری اسلامی ایران و آفریقا در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳.
- وزارت امور خارجه، اداره کل آفریقا، گزارشات روابط جمهوری اسلامی ایران و آفریقا در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.
- وزارت جهاد کشاورزی، معاونت امور بین‌الملل و توسعه همکاری‌های آفریقا؛ دو دهه فعالیت نمایندگی‌های وزارت جهاد کشاورزی در کشورهای آفریقایی، خرداد ۱۳۸۵.

www.country-studies.com

www.iranica.com

